

## زنان و مهاجرت به شهر همدان، تعیین‌کننده‌ها و پیامدهای آن

نصیبه اسماعیلی<sup>\*۱</sup>

حسین محمودیان<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۰۷

### چکیده

زنان در فرایند مهاجرت یک عامل تعیین‌کننده محسوب می‌شوند که می‌توانند در تمامی مراحل مهاجرت نقش تأثیرگذاری را ایفا نمایند. امروزه، زنان به‌عنوان کارگزاران مستقل، حامیان و برنامه‌ریزان خانواده مهاجرت می‌کنند. این تحقیق به بررسی نقش زنان در فرایند مهاجرت به شهر همدان و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. روش تحقیق این مطالعه از نوع پیمایش می‌باشد و داده‌های بررسی با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه با افراد نمونه گردآوری شده است. شیوه نمونه‌گیری این مطالعه، نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی سیستماتیک می‌باشد. بررسی روابط دو متغیری و آزمون فرضیات تحقیق نیز نشان داد که از مجموع ۵ فرضیه مطرح شده تنها یک فرضیه رد شد. علاوه بر این، نتایج رگرسیون لجستیک نشان داد چهار متغیر تحصیلات زنان، سن هنگام مهاجرت، میزان استقلال زنان قبل از مهاجرت و سال ورود به شهر همدان از سطح معناداری لازم برخوردار بوده و در مدل باقی ماندند. این چهار متغیر حدود ۳۲ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند. داده‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که به تدریج ساختار تصمیم‌گیری درباره مهاجرت از مردان به زنان تسری پیدا کرده است و در نتیجه زنان با گذشت زمان و افزایش منزلت اجتماعی خود، نقش مهم‌تری را در این فرآیند به عهده دارند.

**کلیدواژه‌ها:** مهاجرت، نقش زنان، استقلال زنان، ساختار قدرت، رگرسیون لجستیک.

۱- کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی

۲- دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

\* نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

جنسیت<sup>۱</sup> عامل تعیین کننده‌ی اساسی در ارتباط با مهاجرت و سایر رفتارهای جمعیتی محسوب می‌شود. «مطالعات مختلف نشان داده‌اند که جنسیت و نظام‌های قشربندی جنسیتی در تمام ابعاد و جنبه‌های فرایند مهاجرت، مانند روابط بین جوامع مبدأ و مقصد (فرناندز- کلی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳). استراتژی‌ها و تأثیرات استخدامی مهاجران (راونشتاین<sup>۳</sup>، ۱۸۸۵) و شیوه‌هایی که افراد در فرایند تصمیم‌گیری درباره مهاجرت مشارکت می‌کنند، حضور دارد و نقش مهمی ایفاء می‌کند» (رلی<sup>۴</sup> و گاردنر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳: ۱۹۵). تا میانه‌ی دهه ۱۹۷۰ در کشورهای توسعه یافته (در غرب) مهاجرت به‌عنوان پدیده‌ای مردانه تلقی می‌شد. حال آنکه امروزه تقریباً نیمی از جمعیت مهاجران را، زنان تشکیل می‌دهند (ایوم، ۲۰۰۳: ۸). امروزه، زنان نه فقط به‌عنوان تبعیت‌کنندگان و بخشی از فرایند ملحق شدن به خانواده و نه به‌عنوان مهاجران اجباری در شرایط آوارگی، مهاجرت می‌کنند، بلکه آنان به‌عنوان عوامل و کارگزاران مستقل و حامیان و برنامه‌ریزان خانواده مهاجرت می‌کنند. جنسیت یک نفوذ هسته‌ای و مرکزی بر موقعیت‌های زنان و مردان، نقش‌هایشان، در مراحل مختلف چرخه زندگی دارد. این‌ها موقعیت افراد را در جامعه و در نتیجه فرصت‌های زنان و مردان را برای حرکت و جابه‌جایی در مرحله قبل از مهاجرت تعیین می‌کنند (دی جونگ، ۲۰۰۰: ۳۷). بر همین اساس است که (کاستلز و میلر، ۲۰۰۳). به زنانه شدن مهاجرت به‌عنوان یکی از پنج مشخصه بارز جریان‌ات جدید مهاجرتی اشاره کرده‌اند. زنانه شدن مهاجرت بیانگر این واقعیت است که زنان نقشی در حال افزایش در انواع مهاجرت‌ها در تمام مناطق دنیا ایفاء می‌کنند. انتظارات مهاجرتی در بستری از هنجارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی عمل می‌کنند. همچنین، زنان و مردان انتظارات مهاجرتی متفاوتی دارند، گرچه مهاجرت‌ها بیشتر به دلایل اقتصادی صورت گیرد، اما اهمیت انگیزه‌های غیراقتصادی برای مهاجرت زنان بیشتر می‌باشد. با این حال، علیرغم اهمیت ابعاد جنسیتی مهاجرت و نقش زنان در فرایند مهاجرتی، عدم توجه کلی به جنسیت در اکثر مطالعات مهاجرتی هنوز وجود دارد و حتی پس از یک دهه از پیشنهاد و دعوت مطالعات و تحقیقات برای اصلاح و کاهش چنین عدم‌توجه و نادیده گرفتن جنسیت، هنوز بررسی تأثیر این عامل

---

1. Gender  
 2. Fernande Kelly  
 3. Raven stein  
 4. Riley-Gardner  
 5. Riley and Gardner

تعیین‌کننده مهاجرتی نادیده گرفته شده است (رلی و گاردنر، ۱۹۹۳: ۱۹۵). علت این نادیده گرفتن نیز این بوده است که در اکثر مطالعات یک فرض ضمنی وجود دارد و آن این است که زنان همانند مردان در فرایند مهاجرت فعال نیستند و بیشتر نقش منفعل و پیرو دارند (رلی و گاردنر، ۱۹۹۳: ۱۹۳).

در ایران در سال‌های اخیر مهاجرت و به‌ویژه نقش زنان در این فرایند افزایش یافته است (صادقی و ولدوند، ۱۳۹۴). با توجه به اینکه شهر همدان نیز از شهرهای مهاجرپذیر است و در دهه‌های اخیر از شهرها و روستاهای پیرامون مهاجرت به این شهر شکل گرفته است، این سؤال مطرح می‌شود که در این جریان مهاجرتی چقدر زنان نقش داشته‌اند و نقش آنها از چه عواملی متأثر بوده است؟ بنابراین، بررسی نقش زنان در فرایند مهاجرت، می‌تواند شناخت بیشتری درباره فرایندهای مهاجرتی و مکانیزم‌های آن فراهم کند. هدف این مطالعه بررسی نقش زنان در جریان تصمیم‌سازی مهاجرت‌های خانوادگی به شهر همدان (واقع در یکی از استان‌های ایران) و عوامل مؤثر بر آن در سه دهه اخیر می‌باشد.

## ۲. پیشینه تحقیق

جابه‌جایی‌های افراد در طول مرزها، جوامع و ایالت‌ها سابقه طولانی دارد؛ اما زنان در ادبیات اولیه مهاجرتی، غایب بوده‌اند. بیشتر مطالعات درباره مهاجرت از نمونه‌های مردان استفاده کرده‌اند. مشخصه دیگر ادبیات اولیه مهاجرتی درباره زنان این است که وقتی هم که زنان نادیده گرفته نشده‌اند، آنها را در فرایند مهاجرت در چارچوب خانواده و در رابطه با فرزندان دیده‌اند (چارالامپو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۷۹). لازاردیز (۲۰۰۰)، بیان می‌کند که ادبیات مهاجرتی مبتنی بر تصورات قالبی از زنان مهاجر به‌عنوان همسران یا مادرانی است که منزوی، بی‌سواد و کنار گذاشته شده از جهان بیرونی هستند. از این‌رو، بخش اعظمی از ادبیات مهاجرت، زنان را نادیده گرفته است به خاطر تصورات قالبی که درباره زنان به‌عنوان وابستگان و تابعان در فرایند مهاجرت وجود دارد (ایزی کوویتس و اسپیترا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۱۰۰).

با این حال در دهه گذشته مطالعات در حال افزایشی به بررسی جنسیت و مهاجرت پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال (هیلر و مک کیگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷) به بررسی نقش زنان به‌صورت فعال و

---

1. Charalampopoulou  
2. Schechtre and Eisikovits  
3. Hiller and Maccaig

منفعل در مهاجرت و رضایتمندی آنان پس از مهاجرت پرداختند. به علاوه (پارادو و دلپین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). استقلال زنان پس از مهاجرات و دلایل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار دادند. همچنین (هیرینگ و همکاران، ۲۰۰۴). جنبه جنسیتی نقش شبکه‌های خانوادگی در تداوم مهاجرت در مراکش بررسی نمودند. مطالعات صورت گرفته در ایران در زمینه نقش زنان در فرایند مهاجرت محدود و اندک بوده است.

در این رابطه عصار (۱۹۹۳) نقش زنان و شبکه خویشاوندی در مهاجرت خانوادگی را مورد بررسی قرار داد و ولایتی (۲۰۰۳) تأثیر مهاجرت روستایی- شهری را بر شرایط اقتصادی زنان مهاجر بررسی نمود.

حسن‌پور (۱۳۸۹) در تحقیقی با موضوع گرایش به مهاجرت و جنسیت نشان داد که برای مردان عوامل اقتصادی و برای زنان عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیر پررنگ‌تری در گرایش آنان به مهاجرت دارند. جعفری (۱۳۸۸)، در تحقیق خود نگاهی به تحولات مهاجرت زنان در نقاط شهری شهرستان مشهد به این نتیجه دست یافت که علاوه بر سن و جنس عوامل متفاوتی از قبیل تحصیلات، اشتغال، مسافت و مهم‌تر از همه پیروی از خانوار نقش مهمی را در مهاجرت زنان ایفا می‌کند. مشفق و خزایی (۱۳۹۴)، در مطالعه خودتحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران به دو نوع الگوی مهاجرتی برای زنان دست یافتند یکی استراتژی توسعه حرفه‌ای و فردی که مختص زنان تحصیل‌کرده و متخصص است و دیگری الگوی زنان مهاجری است که از مهاجرت به‌عنوان ابزاری برای بقا خود استفاده می‌کنند. صادقی و ولدوند (۱۳۹۳)، در تحلیل جنسیتی رفتارهای مهاجرتی زنان و مردان ایرانی نشان داد که حدود یک‌چهارم زنان در مقایسه با سه‌چهارم مردان مهاجر نقش فعالی در فرایند مهاجرت داشته‌اند. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که حدود ۷۰ درصد تفاوت‌های جنسیتی در ایفای نقش فعال در فرایند مهاجرت، ناشی از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بین دو جنس می‌باشد. از این‌رو، ساختارهای اقتصادی مردانه و هنجارهای جنسیتی نقش مهمی در تبیین تفاوت‌های جنسیتی مهاجرت در ایران دارند. در هیچ‌کدام از مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته است به‌طور مشخص به عوامل تعیین‌کننده‌ی مهاجرت زنان پرداخته نشده است و مطالعه‌ی حاضر می‌تواند به این خلأ تحقیقاتی بپردازد.

---

1. Parrado and Dlippen

### ۳. ملاحظات نظری

برای تبیین مهاجرت زنان چانت و رادکلیف<sup>۱</sup> (۱۹۹۲). چهار رویکرد تئوریکی را معرفی کرده‌اند. این رویکردها شامل رویکرد تعادل/نئوکلاسیک، رویکرد ساختاری، رویکرد رفتاری و رویکرد استراتژی‌های خانوار می‌باشند. رویکرد تعادل/نئوکلاسیک به تبیین حرکات مهاجرتی زنان روستایی با فرصت‌های شغلی اندک و بازارهای کار شهری می‌پردازد. در این رویکرد فرض می‌شود که انگیزه‌های مهاجرت برای مردان و زنان یکسان می‌باشد. رویکرد ساختاری، بر تغییرات ساختاری اقتصادی - اجتماعی و سیاسی به‌عنوان تعیین‌کننده‌های مهاجرت زنان تأکید می‌کند. رویکرد رفتاری، فرض می‌کند که زنان و مردان تحت نفوذ ایدئولوژی‌ها و هنجارهای فرهنگی تعیین‌کننده نقش‌های جنسیتی به رفتار مهاجرتی می‌پردازند. در نهایت، رویکرد استراتژی‌های خانوار بر این فرض استوار است که روابط قدرت و ساختارهای تصمیم‌گیری در خانواده، بر مهاجرت زنان تأثیرگذار می‌باشد. بر اساس این رویکرد معمولاً یکی از اعضای خانوار برای کار، مهاجرت می‌کند و در این زمینه معمولاً زنان با توجه به سلسله مراتب‌های اجتماعی-فرهنگی و ساختار قدرت در خانواده از مهاجرت منع می‌شوند (چانت و رادیکلف، ۱۹۹۲).

یکی از نکات مورد توجه در رویکرد استراتژی‌های خانوار، مسأله‌سازی تقسیم کار و قدرت در درون خانوار می‌باشد و اینکه این‌ها چگونه گرایش و آزادی افراد مختلف را مطابق با جنسیت، سن و روابطشان با سایر اعضای خانوار تحت تأثیر قرار می‌دهند و همچنین اینکه این‌ها چگونه مهاجرت به سمت شهرها را تحت تأثیر قرار می‌دهند این رویکرد، یعنی رویکرد استراتژی خانوار، سه نکته و محور را مورد بحث قرار می‌دهد: اول، دسترسی متفاوت جنسیتی به منابع از نظر اجتماعی تعیین می‌شود. دوم، شرایط خانوار یک نقش کلیدی در فرایند مذاکرات درباره منابع و تصمیمات مهاجرتی ایفاء می‌کنند و سوم، در درون هر خانوار، جنسیت با سایر محورها مانند سن و وضعیت تأهل، شرایطی را ایجاد می‌کند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم حرکات مهاجرتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (چانت، ۱۹۹۸: ۹).

علاوه بر این چهار رویکرد، در ادبیات جامعه‌شناختی دو چارچوب تئوریکی برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت خانوادگی ارائه شده است: یکی تئوری منابع خانواده و دیگری تئوری نقش‌های جنسیتی می‌باشد. تئوری منابع خانواده بیان می‌کند که قدرت فرد در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن تابعی از منابع فردی است. بر اساس این تئوری، تصمیمات

1. Chant and Radcliffe

مهاجرت خانوادگی بستگی به سطح منابع انسانی و قدرت دستمزد بازار فرد نسبت به همسرانشان دارد (چاتوپایا، ۲۰۰۰: ۳۱). تئوری نقش‌های جنسیتی بیان می‌کند که زنان، صرف‌نظر از سطح منابع فردیشان، یک نقش تابع و فرمانبردار در تصمیم‌گیری‌های مهاجرت خانوادگی دارند. به‌طور سنتی، نقش‌های زنان کمتر از نقش‌های مردان در جهت‌فعالیت‌های بازار بوده است، از این‌رو، زنان به‌احتمال‌زیاد تابعان و همراهان شوهرانشان در حرکات مهاجرتی می‌باشند (چاتوپایا، ۲۰۰۰: ۳۱).

در همین راستا، مدل پدرسالاری روابط جنسیتی/خانواده فرض می‌کند که در فرایند مهاجرت، مهاجر واقعی مردان هستند که در جستجوی وضعیت بهتر اقتصادی هستند و جایگاه زنان در این فرایند، صرفاً همراه کننده خانواده می‌باشد (هیلر و مک گیگ، ۲۰۰۷: ۴۵). در نتیجه آنها به‌عنوان همسران مهاجران مقوله‌بندی می‌شوند تا زنان مهاجر. از این‌رو، نقش‌های زنان به‌عنوان مادران و همسران که می‌تواند ریشه در الگوهای اجتماعی- فرهنگی تقسیم کار جنسیتی باشد، ممکن است مانع فرایند مهاجرت زنان باشد و آن می‌تواند تبیینی برای مشارکت پایین زنان در فرایند مهاجرت محسوب شود (رودنبرگ، ۱۹۹۳).

به‌طور جزئی‌تر، (بویاد و گرایکو، ۲۰۰۳). در تلاش برای ارائه تئوری جنسیتی مهاجرت معتقدند که می‌توان سه مرحله که در آن روابط، نقش‌ها و سلسله مراتب جنسیتی بر فرایند مهاجرت تأثیر بگذارد از همدیگر متمایز نمود و در آن نتایج متفاوتی را برای زنان متصور شد: مرحله قبل از مهاجرت، مرحله انتقالی و عبوری در طول مرزها و تجربه مهاجران در منطقه مقصد. در مرحله قبل از مهاجرت، عوامل متعددی موجب شکل‌گیری تصمیمات مهاجرتی می‌شوند. این عوامل هم شامل عوامل کلان و سیستمی مانند اقتصاد ملی و هم عوامل فردی و خرد مانند روابط جنسیتی در طول چرخه زندگی است. این عوامل به سه حوزه تقسیم می‌شوند: (۱) روابط و سلسله مراتب جنسیتی، (۲) موقعیت و نقش‌ها و (۳) مشخصه‌های ساختاری مبدأ. روابط و سلسله مراتب جنسیتی در درون بستر خانواده، مهاجرت زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. خانواده به تعریف و واگذاری نقش‌ها به زنان می‌پردازد و این وضعیت خود انگیزه نسبی آنها را برای مهاجرت، کنترل توزیع منابع و اطلاعات که می‌تواند حمایت کند، یا عدم تشویق و جلوگیری از مهاجرت را تعیین می‌کند. تعامل نقش‌ها، موقعیت و سن زنان در درون یک بستر اجتماعی- فرهنگی خاص منجر به‌احتمال مهاجرتی می‌شود که خود می‌تواند

1. Chattopadhyay
2. Hiller-Mccaig
3. Roden burg

توانایی زنان را برای مهاجرت تحت تأثیر قرار دهد. در نهایت، عوامل سطح کلان مبدأ هستند که می‌توانند مهاجرت جنسیتی شده را تحت تأثیر قرار دهند.

در مرحله انتقالی و عبور از مرزها، سیاست‌های مهاجرتی و گزینش‌های مهاجرتی می‌تواند بر مهاجرت جنسیتی شده تأثیرگذار باشند. معمولاً در این سیاست‌ها، زنان به‌عنوان تابع و مردان به‌عنوان افراد مستقل در نظر گرفته می‌شوند. در مرحله بعد از مهاجرت نیز زنان و مردان به‌طور متفاوتی در مقصد اسکان یافته و انطباق پیدا می‌کنند. در اینجا معمولاً نتایج و پیامدهای انطباق تحت تأثیر سه عامل می‌باشد: (۱) تأثیر وضعیت ورود بر توانایی اسکان و انطباق، (۲) الگوهای ادغام در بازار کار، (۳) تأثیر مهاجرت بر وضعیت و موقعیت زنان و مردان (بویاد و گریکو، ۲۰۰۳).

بدین ترتیب، زنان در فرایند مهاجرت می‌توانند نقش‌های متفاوتی (فعال / منفعل) داشته باشند که داشتن هر کدام از این نقش‌ها بستگی به یک سری عوامل و تعیین‌کننده‌ها در بستر اجتماعی - فرهنگی جامعه مورد مطالعه دارد.

بنابراین، تئوری‌های مهاجرت به‌طور سنتی بر علل مهاجرت بر اساس پرسش‌هایی از افراد مهاجر تأکید داشته‌اند و آنها به‌طور کافی به بررسی و تحلیل تجربه مهاجرتی به تفکیک جنسیت نپرداخته‌اند (بویاد - گریکو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). در واقع، امروزه زنان بیشتر از گذشته مهاجرت می‌کنند، از این رو تبیین‌های سنتی برای مهاجرت مردان را نمی‌توان در خصوص مهاجرت زنان به کار برد. تصمیم‌گیری‌ها برای مهاجرت در درون بستر بزرگتری از تعاملات و انتظارات جنسیتی بین افراد و در درون خانواده‌ها نهادها اتخاذ می‌شود (دوناتو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۲). در مجموع از میان رویکردهای نظری مذکور، مقاله مذکور از رویکرد جنسیتی مهاجرت استفاده می‌کند. در این رویکرد به نقش استقلال زنان، دسترسی به منابع و ساختار قدرت در تبیین فرایند مهاجرت زنان می‌پردازد.

#### ۴. فرضیه‌های تحقیق

در مجموع در این مطالعه ۵ فرضیه وجود داشت که عبارتند از: فرضیه‌های مرتبط با نقش‌های جنسیتی و ساختار قدرت در خانواده:

---

1. Boyad and Grico  
2. Donato

۱. روابط قدرت و ساختارهای تصمیم‌گیری در خانواده، بر نقش زنان در فرایند مهاجرت تأثیرگذار می‌باشد.
۲. نقش زنان در فرایند مهاجرت بستگی به سطح تحصیلات آنها دارد و در این زمینه به نظر می‌رسد که هر چه تحصیلات زنان بیشتر بوده باشد نقش بیشتری در فرایند مهاجرت داشته باشند.
۳. هر چقدر، موقعیت اقتصادی اجتماعی خانواده بالاتر باشند، نقش زنان در تصمیم‌گیری برای مهاجر بیشتر خواهد بود.
- فرضیه‌های مرتبط با دوره و مبدأ مهاجرتی:
۴. به نظر می‌رسد زنانی که محل مبدأ مهاجرتشان، شهر بوده است نسبت به زنان روستایی، احتمال مشارکت بیشتری در تصمیم‌گیری مهاجرتی داشته‌اند.
۵. به نظر می‌رسد نقش زنان در فرایند مهاجرت در سال‌های اخیر، افزایش یافته است.

## ۵. روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه «تحقیق پیمایشی» است و برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است.

### ۵-۱. منطقه مورد مطالعه

همدان از شهرهای تاریخی و فرهنگی ایران به شمار می‌رود. این شهر به دلیل موقعیت مرکزی در استان و تمرکز امکانات رفاهی و بهداشتی در آنجا نسبت به دیگر شهرها و مناطق استان سالانه تعداد زیادی از مهاجران درون و برون‌استانی را به خود جذب می‌کند. به طوری که جمعیت این شهر، به‌عنوان سیزدهمین شهر پرجمعیت کشور، در سه دهه اخیر با افزایش بی‌سابقه جمعیتی مواجهه بوده و اندازه جمعیت آن در طول این مدت سه برابر شده و از ۱۶۵۷۸۵ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۴۷۳۱۴۹ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است و در سال ۱۳۹۰ به ۵۲۵۷۹۴ نفر رسیده است.

### ۵-۲. جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش، کلیه زنانی هستند که به اتفاق خانواده طی سه دهه اخیر از روستاها و شهرهای استان همدان و سایر استان‌های کشور به شهر همدان مهاجرت کرده و در زمان انجام تحقیق و گردآوری داده‌ها (تیر و مردادماه ۱۳۸۸) در این شهر سکونت داشته‌اند. همچنین در



این پژوهش واحد تحلیل و مشاهده، زنان (به‌عنوان همسر یا سرپرست خانوار) این خانواده‌ها می‌باشند.

### ۵-۳. حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

حجم نمونه مقتضی بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر برآورد گردید، در واقع در مجموع از محلات و بلوک‌های منتخب، ۳۸۴ پرسشنامه تکمیل شده است. با این حال با توجه به مخدوش بودن تعدادی از پرسشنامه‌ها و بی‌پاسخی در آنها، تعداد نمونه مورد استفاده در تحلیل‌ها حدود ۳۵۰ نفر بوده است. شیوه نمونه‌گیری این مطالعه، نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی سیستماتیک می‌باشد. بدین معنی که ابتدا به شیوه خوشه‌ای پنج منطقه و محله از شهر مبنای موقعیت اقتصادی-اجتماعی آنها انتخاب شده است، سپس در هر منطقه با تعداد نمونه مناسب مصاحبه به‌عمل آمده است. این محلات، عمدتاً شهرک‌های شهر همدان می‌باشد که نقطه تمرکز و اقامت مهاجران در سال‌های اخیر بوده است. شهرک‌های خضر، الوند، فرهنگیان، مدنی و مجتمع امام خمینی به‌عنوان شهرک‌های مهاجرپذیر در شهر همدان شناسایی شده است. از آنجایی که تعداد افراد ساکن و افراد مهاجر در این شهرک‌ها مشخص نبود، تعداد نمونه برای این شهرک‌ها یکسان در نظر گرفته شد. دو بلوک ساختمانی با نمونه‌گیری تصادفی ساده در هر شهرک مشخص شد و دو پرسشگر در دو روز مختلف به این بلوک‌های ساختمانی مراجعه کردند و این کار تا آنجا ادامه می‌یافت که از هر منطقه با تعداد نمونه موردنظر مصاحبه صورت گیرد.

### ۵-۴. متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته در این بررسی، نقش زنان در فرایند مهاجرت می‌باشد که در قالب سؤال زیر در پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است: نقش شما در تصمیم و اقدام به مهاجرت به شهر همدان چه بوده است؟ برای پاسخ به آن نیز هفت مقوله زیر در نظر گرفته شد:

- ۱- هیچ نقشی نداشته و مخالف بوده است.
- ۲- هیچ نقشی نداشته و بی‌تفاوت بوده است.
- ۳- هیچ نقشی نداشته، اما موافق بوده است.
- ۴- هر دو با توافق و تفاهم امکان مهاجرت را فراهم کرده‌اند.
- ۵- تصمیم‌گیرنده زن بوده است و شوهرش هم موافق بوده است.
- ۶- تصمیم‌گیرنده زن بوده است و در بی‌تفاوتی شوهر مهاجرت انجام گرفته است.
- ۷- تصمیم‌گیرنده زن بوده است و علیرغم مخالفت شوهر مهاجرت انجام گرفته است.

در نهایت بر اساس این ۷ مقوله نقش زنان در فرایند مهاجرت در قالب دو نقش منفعل و فعال مورد بررسی قرار گرفته است. زنانی که مقوله اول تا سوم انتخاب کرده باشند به عنوان زنانی در نظر گرفته شده‌اند که نقشی منفعل در فرایند مهاجرت دارند و زنانی که از مقوله چهار تا هفت را انتخاب کرده باشند به عنوان زنانی در نظر گرفته شده‌اند که نقشی فعال در فرایند مهاجرت دارند. علاوه بر این، از تعدادی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی به عنوان متغیرهای مستقل در تحقیق استفاده شد. این متغیرها شامل قومیت (شامل چهار سطح کرد، ترک، لر و فارس)، تعداد فرزندان، تحصیلات زن و شوهر (بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی یا متوسطه، دیپلم و بالاتر)، وضعیت اقتصادی خانواده (خوب، متوسط و ضعیف)، منشأ شهری و روستایی و ساختار قدرت در خانواده پدری (زن سالارانه، مردسالارانه و یا بر اساس تفاهم و توافق باشد)، سن هنگام مهاجرت، میزان استقلال زنان قبل از مهاجرت و سال ورود به شهر همدان می‌باشند.

#### ۵-۵. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با استفاده از بسته نرم‌افزاری آماری (SPSS16) انجام شد. پس از توصیف داده‌ها، جهت آزمون فرضیات تحقیق از آزمون کای اسکوئر استفاده شده است که این آزمون رابطه بین دو متغیر را به دور از اثر سایر متغیرها در نظر می‌گیرد. به همین دلیل از رگرسیون لوجستیک برای ارزیابی همزمان تأثیر ابعاد و عوامل چندگانه اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی بر نقش زنان در فرایند مهاجرت استفاده شد. در رگرسیون لوجستیک دوسطحی، متغیر وابسته مقوله‌ای و دوسطحی می‌باشد. این دو مقوله معمولاً به صورت عضویت یا عدم عضویت در یک گروه یا بلی و خیر اشاره دارد. در رگرسیون لوجستیک آنچه پیش‌بینی می‌شود، یک احتمال است که ارزش آن بین صفر و یک تغییر می‌کند. مدل استفاده شده در این مطالعه به صورت زیر می‌باشد:

$$\log\left(\frac{p}{1-p}\right) = \alpha + \sum \beta_i x_i$$

که  $p$  احتمال داشتن نقش فعال در مهاجرت و  $x_i$  متغیرهای تبیینی و  $\beta_i$  ضرایب رگرسیونی هستند. همچنین  $\alpha$  ضریب ثابت می‌باشد. در این مطالعه روش به کار گرفته شده برای گزینش متغیرها به مدل، روش انتخاب روبه‌جلو<sup>۱</sup> متغیرها بوده است. روش مذکور به‌طور اتوماتیک متغیرهایی را که در پیش‌بینی متغیر وابسته تأثیرگذار هستند را وارد مدل می‌کند

و آنهایی را که معنی‌دار نیستند از مدل خارج می‌کند. سطح معنی‌داری ورود به مدل ۰/۰۵ و سطح معنی‌داری خروج از مدل ۰/۱ در نظر گرفته شد.

## ۶. یافته‌ها

### ۶-۱. آمار توصیفی متغیرها

آمار توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ آورده شده است. با توجه به این جدول، بیشتر پاسخگویان این پژوهش (۲۹/۴ درصد) در گروه سنی «۳۸ تا ۴۸ سال» بوده‌اند. سطح تحصیلات، اکثر زنان پاسخگو در این بررسی (۳۸/۶ درصد) دارای تحصیلات «ابتدایی» بودند که از بین زنانی که دارای همسر بوده‌اند، بیشتر شوهران زنان پاسخگو (۳۰/۹ درصد) دارای تحصیلات «ابتدایی» بودند. همچنین بیشتر پاسخگویان (۳۴ درصد) بین ۳ تا ۴ فرزند داشتند. میزان مهاجرت به شهر همدان رشد صعودی و تقریباً ثابتی داشته است، این میزان بعد از انقلاب با یک جهش چند برابری مواجه شده است که بیشترین میزان مهاجرت پاسخگویان به این شهر (۳۲،۹ درصد) در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ بوده است.

جدول ۱: توزیع درصدی متغیرهای مورد مطالعه

تعداد فرزند (%)		سطح تحصیلات همسر (%)		سطح تحصیلات (%)		سن (%)	
۸،۹	بدون فرزند	۱۶،۹	بی‌سواد	۲۳،۴	بی‌سواد	۱۸،۳	۱۸ تا ۲۸
۳۱،۷	بین ۱ تا ۲	۳۰،۹	ابتدایی	۳۸،۶	ابتدایی	۲۶،۶	۲۸ تا ۳۸
۳۴	بین ۳ تا ۴	۲۱،۷	راهنمایی	۱۵،۱	راهنمایی	۲۹،۴	۳۸ تا ۴۸
۱۷،۴	بین ۵ تا ۶	۳،۴	متوسطه	۳،۴	متوسطه	۱۷،۴	۴۸ تا ۵۸
۸	۶ و بیشتر	۱۳،۴	دیپلم	۱۴	دیپلم	۸،۳	۵۸ به بالا
		۱۳،۷	دانشگاهی	۵،۵	دانشگاهی		
میزان درآمد خانوار (%)		وضعیت شغلی (%)		قومیت (%)		تاریخچه مهاجرت (%)	
۳۰	کمتر از ۲۰۰ هزار	۹۴،۳	خانه‌دار	۱۶،۶	فارس	۶،۶	قبل از سال ۵۰
۵۶،۹	بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار	۳،۷	شاغل بخش دولتی	۶۳،۴	ترک	۵،۴	بین سال‌های ۵۱ تا ۵۷
۱۱،۴	بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ هزار	۲	شاغل بخش غیردولتی	۱۷،۱	لر	۲۵،۴	بین سال‌های ۵۸ تا ۶۸
۱،۷	بیش از ۸۰۰ هزار			۲،۹	کرد	۲۹،۷	بین سال‌های ۶۹ تا ۷۸
						۳۲،۹	بین سال‌های ۷۹ تا ۸۸

وضعیت تأهل (%)		محل تولد (%)		وضعیت مالکیت مسکن (%)		ارزیابی از موقعیت محله زندگی (%)	
دارای همسر	۹۱,۷	شهر	۳۱,۴	ملکی و شخصی	۷۳,۱	بالای شهر	۱,۴
فوت همسر	۷,۷	روستا	۶۸,۶	رهنی و اجاره‌ای	۲۴,۹	متوسط	۵۹,۴
مطلقه	۰,۶			سایر	۲	پایین شهر	۳۹,۲
تصمیم‌گیرنده اصلی در خانواده (قبل از مهاجرت)		تصمیم‌گیرنده اصلی در خانواده (در حال حاضر)		تغییر وضعیت موقعیت اجتماعی نسبت به قبل از مهاجرت		نقش زنان در فرایند مهاجرت	
خودم	۷,۴	خودم	۱۰,۶	بهبتر شده	۵۲,۹	نقش فعال	۲۳,۷
شوهرم	۴۶,۳	شوهرم	۴۲,۳	فرقی نکرده	۳۵,۱	نقش مشارکتی	۵۱,۲
هر دو باهم	۴۶,۳	هر دو باهم	۴۷,۱	بدتر شده	۱۲	نقش منفعل	۲۵,۱
تغییر وضعیت اقتصادی نسبت به قبل از مهاجرت (%)		دلیل اصلی مهاجرت (%)		نقش زنان در تصمیم‌گیری و اقدام به مهاجرت به شهر همدان (%)		ساختار قدرت در خانواده (%)	
بهبتر شده	۵۱,۷	کار و شغل	۴۸,۹	نقش منفعل	۳۸/۹	مرد سالارانه	۳۰,۵۷
فرقی نکرده	۳۲,۶	ازدواج	۲۱,۴	نقش فعال	۶۱/۱	زن سالارانه	۵,۴
بدتر شده	۱۵,۷	رفاه و امکانات بیشتر در شهر	۱۴			بر اساس توافق	۰,۶۴
		تحصیل و آینده و رفاه فرزندان	۸,۶				
		نزدیکی با اقوام و خویشاوندان	۳,۴				
		سایر موارد	۳,۷				

از نظر مشخصه قومیتی و تعلق قومی، قومیت بیشتر پاسخگویان (۶۳/۴ درصد) «ترک» بوده است. همچنین اکثریت قریب به اتفاق زنان پاسخگو (۹۱,۷ درصد)، با همسران خود زندگی می‌کرده‌اند، ۶۸,۶ درصد آنها ساکن روستا و ۹۴,۳ درصد خانه‌دار بوده‌اند. همچنین ۵۶,۹ درصد از آنها درآمدی بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان در ماه داشتند. به لحاظ وضعیت مالکیت مسکن، بیشتر پاسخگویان یعنی ۷۳/۱ درصد اظهار داشته‌اند که مسکن آنها «ملکی و شخصی» می‌باشد و اکثراً (۵۹/۴ درصد) اظهار داشته‌اند که موقعیت اجتماعی و اقتصادی محله آنها «متوسط» می‌باشد.

علاوه بر این مقولات، در پاسخ به پرسش تصمیم‌گیرنده اصلی در خانواده شما چه کسی می‌باشد؟ بیشتر پاسخگویان بعد از مهاجرت (۴۷/۱ درصد) گفته‌اند که تصمیم‌گیری در خانواده آنها به صورت مشارکتی است، درحالی‌که نقش زنان در تصمیم‌گیری قبل از مهاجرت کمتر

بوده است. به‌هرحال بیشتر موارد به تصمیم‌گیری مشارکتی و مشورتی اشاره داشته‌اند (۴۶,۳ درصد) و به‌طورکلی از نظر اکثر پاسخگویان (۵۱,۲ درصد) به نقش مشارکتی زنان در فرایند مهاجرت اشاره کرده‌اند.

در مورد تغییر وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها بعد از مهاجرت به شهر همدان نسبت به قبل از بیشتر پاسخگویان در ارزیابی موقعیت اقتصادی (۵۱/۷ درصد) و اجتماعی (۵۲,۹ درصد) اظهار داشته‌اند که وضعیتشان بهتر شده است. به‌علاوه اکثر پاسخگویان (۴۸,۹ درصد) کار و شغل را دلیل اصلی مهاجرت خود دانسته‌اند.

اضافه بر این، به بررسی و ارزیابی رضایت اعضای خانواده از مهاجرت به شهر همدان پرداختیم. در این زمینه همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد:

جدول ۲: توزیع درصدی دیدگاه پاسخگویان در خصوص رضایت خود و سایر اعضای خانواده از مهاجرت به شهر همدان

میزان رضایت			اعضای خانواده
ناراضی	خنثی	راضی	
۱۰/۶	۷/۱	۸۲/۳	زنان پاسخگو
۶/۰	۶/۰	۸۸/۰	شوهر
۹/۷	۱۲/۵	۷۷/۹	فرزندان پسر
۷/۳	۱۲/۷	۸۰/۱	فرزندان دختر

اغلب زنان پاسخگو (۸۲/۳ درصد) از مهاجرت به شهر همدان «راضی» بودند. همچنین، ۸۸ درصد زنان پاسخگو اظهار داشته‌اند که شوهران آنها نیز از مهاجرت به شهر همدان راضی هستند. بیشتر پاسخگویان (۸۰/۱ درصد) گفته‌اند که دختران آنها از مهاجرت به شهر همدان «راضی» هستند و ۷۷/۹ درصد پاسخگویان گفته‌اند که فرزندان پسر آنها از مهاجرت به شهر همدان «راضی» هستند.

## ۲-۶. نتایج تحلیل دومتغیره

در تحلیل دومتغیره از با توجه به مقوله‌ای بودن متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون کای دو استفاده شد که نتایج آن در جدول تقاطعی شماره ۳ نشان داده شده است.

بر این اساس، روابط قدرت و ساختارهای تصمیم‌گیری در خانواده، تأثیر معناداری از نظر آماری بر نقش زنان در فرایند مهاجرت دارد ( $p\text{-value} < 0.001$ ). بر این اساس زنانی که ساختار قدرت در خانواده آنها «مردسالاری» بوده، مشارکت منفعل‌تری در فرایند مهاجرت به شهر همدان داشتند. در مقابل در ساختار قدرتی که به زنان بهاء داده می‌شود، زنان از نقش فعال‌تری

در فرایند مهاجرت برخوردار بوده‌اند. این فرضیه را از طریق دیگری با توجه به قدرت تصمیم‌گیری در داخل خانواده مورد آزمون قرار دادیم. نتایج نشان داد در خانواده‌هایی که زنان تصمیم‌گیر اصلی می‌باشند یا نقش مشارکتی در تصمیم‌گیری‌ها دارند، آنها نقش فعالی در فرایند مهاجرت ایفاء می‌کنند. این رابطه به لحاظ آماری معنادار می‌باشد ( $p\text{-value} < 0.001$ ). از این‌رو، نقش زنان در فرایند مهاجرت متأثر از نقش آنها در ساختار قدرت خانواده می‌باشد و معمولاً در خانواده‌هایی که زنان نقش مؤثری در تصمیم‌گیری‌ها و ساختار قدرت دارند، در فرایند مهاجرت نیز نقش فعالی ایفاء کرده‌اند.

جدول ۳: تحلیل دومتغیره از تأثیر متغیرهای مستقل بر نقش زنان در فرایند مهاجرت

متغیر	مقدار آزمون کای دو	سطح معناداری
ساختار قدرت	۳۹,۱۰۶	***
تحصیلات	۲۱,۴۶۳	***
موقعیت اقتصادی - اجتماعی	۱۲,۵۸۳	**
مبدأ شهری - روستایی مهاجرت	۲,۲۰۹	ns
دوره مهاجرتی	۳۲,۵۹۶	***

Note: \*\*\* $p < 0.001$ ; \*\* $p < 0.01$ ; \* $p < 0.05$ ; ns=not significant

همچنین نتایج نشان داد نقش زنان در فرایند مهاجرت به سطح تحصیلات آنها بستگی دارد ( $p\text{-value} < 0.001$ ). بر این اساس زن‌هایی که تحصیلات بالاتری داشته‌اند، نقش فعال‌تری در فرایند مهاجرت داشته‌اند. تحصیلات از عوامل مهم اجتماعی تأثیرگذار بر مهاجرت و نقش زنان در این فرایند می‌باشد. چرا که تحصیلات به‌عنوان وسیله اصلی دستیابی به تحرک شغلی و اقتصادی محسوب می‌شود. با توجه به نتیجه آزمون کای اسکور و سطح معناداری ( $p < 0.001$ ) آن می‌توان گفت که بین «سطح تحصیلات» و «نقش زنان در فرایند مهاجرت» رابطه وجود دارد. بر این اساس زن‌هایی که تحصیلات بالاتری داشته‌اند، نقش فعال‌تری در فرایند مهاجرت داشته‌اند.

به‌علاوه جدول ۳ نشان می‌دهد که افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری برای مهاجرت با افزایش موقعیت اقتصادی اجتماعی خانواده نیز از نظر آماری معنادار می‌باشد. بر این اساس، زن‌هایی که متعلق به سطح بالاتری از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بوده‌اند، نقش فعال‌تری در فرایند مهاجرت داشته‌اند.

همچنین، نتایج نشان داد زنانی که محل مبدأ مهاجرتشان، شهر بوده است نسبت به زنان روستایی، احتمال مشارکت بیشتری در تصمیم‌گیری مهاجرتی داشته‌اند؛ اما این رابطه معنادار نبوده است ( $p\text{-value} > 0.05$ ).

در نهایت نتایج دومتغیره نشان داد که نقش زنان در فرایند مهاجرت در سال‌های اخیر، افزایش یافته و این تغییر به لحاظ آماری معنادار می‌باشد ( $p\text{-value} < 0.001$ ). به دلیل تحولات اجتماعی و فرهنگی چند دهه اخیر، فرض می‌شود هر قدر که مهاجرت‌های صورت گرفته به زمان حال نزدیک‌تر باشد، با توجه به پیشرفت زنان در عرصه‌های تحصیلات، اشتغال و حضور در جامعه و افزایش قدرت آنها در خانواده، زنان نقش فعال‌تری را در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده از جمله مهاجرت به شهر همدان داشته باشند. در این زمینه هرچه به مهاجرت‌های اخیرتر نزدیک می‌شویم، نقش زنان در فرایند مهاجرت افزایش یافته و آنها نقش فعالی در این فرایند ایفاء می‌کنند. از این‌رو، با توجه به آزمون محاسبه‌شده کای اسکور می‌توان قضاوت کرد که بین دو متغیر «سال مهاجرت به شهر همدان» و «نقش زنان در فرایند مهاجرت» رابطه وجود دارد. بر این اساس زن‌هایی که در سال‌های اخیر به شهر همدان مهاجرت کرده‌اند، نقش فعال‌تری در فرایند مهاجرت داشته‌اند.

### ۳-۶. نتایج تحلیل چندمتغیره

جدول ۴ شامل نتایج برازش مدل رگرسیون لجستیک است که از بین ۱۰ متغیر مستقل (قومیت، تعداد فرزندان قبل از ازدواج، تحصیلات شوهر، وضعیت اقتصادی خانواده، منشأ شهری و روستایی و ساختار قدرت در خانواده پدری، تحصیلات زنان، سن هنگام مهاجرت، میزان استقلال زنان قبل از مهاجرت و سال ورود به شهر همدان)، تعداد ۴ متغیر تحصیلات زنان، سن هنگام مهاجرت، میزان استقلال زنان قبل از مهاجرت و سال ورود به شهر همدان به روش حذف پیشرو انتخاب شدند. همان‌طور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد.

جدول ۴: متغیرهای باقیمانده در مدل رگرسیون لجستیک

p-value	Exp(coefficient)	ضریب رگرسیونی (خطای معیار)	متغیرهای مستقل انتخاب‌شده با استفاده از روش حذف پیشرو
۰.۰۳۲	۱.۰۳۳	۰.۰۳۳(۰.۰۱۵)	سن زنان هنگام مهاجرت
			سطوح تحصیلی زنان
		-	(بی‌سواد=گروه مرجع)

۰.۱۱۲	۱.۶۹۸	۰.۵۳۰(۰,۳۳۳)	ابتدایی
۰.۰۳۸	۲.۳۷۹	۰.۸۶۷(۰,۴۱۷)	راهنمایی یا متوسطه
۰.۰۳۵	۲.۵۱۷	۰.۹۲۳(۰,۴۳۸)	دیپلم و بالاتر
۰.۰۰۰۱			میزان استقلال زنان قبل از مهاجرت
		-	(کم=گروه مرجع)
۰.۰۰۱	۳.۸۱۴	۱.۳۳۹(۰,۳۹۴)	متوسط
0.۰۰۰۱	۴.۳۰۴	1.۴۶۰(۰,۲۷۸)	زیاد
			زمان مهاجرت به شهر همدان
		-	(قبل از ۱۳۵۷ =گروه مرجع)
۰.۰۱۴	3.۰۳۶	۱.۱۱۱(۰,۴۵۳)	۱۳۶۸ تا ۱۳۵۷
۰.۰۱۸	۲.۹۴۰	۱.۰۷۹(۰,۴۵۵)	۱۳۷۸ تا ۱۳۶۹
0.۰۰۰۴	۳.۹۲۴	1.۳۶۷(۰,۴۷۲)	۱۳۸۸ تا ۱۳۷۹
۰.۰۰۰۱	۰.۰۶۱	۲.۷۹۱(۰,۵۵۴)	ثابت مدل
۰.۰۰۰۲		-	آماره نیکویی برازش (Deviance)
		٪۳۲,۲	Neglkerke R Square

ضریب مثبت و معنی‌دار متغیر سن هنگام مهاجرت (۰/۰۳۳) نشان می‌دهد هر چه سن زنان هنگام مهاجرت بیشتر بوده باشد، نقش فعال‌تری در فرایند مهاجرت خواهند داشت. کسر برتری  $Exp(B)$  برای این متغیر، ۱/۰۳۳ می‌باشد، یعنی به ازای هر واحد افزایش در سن زنان هنگام مهاجرت، احتمال داشتن نقش فعال در فرایند مهاجرت به میزان ۱/۰۳۳ برابر افزایش خواهد یافت.

در ارتباط با سه متغیر دیگر باقیمانده در مدل با توجه به مقوله‌ای بودن این متغیرها، یکی از مقوله‌ها (مقوله اول) را به‌عنوان گروه مرجع در نظر گرفته شد و به مقایسه سایر مقولات با آنها در ارتباط با داشتن احتمال نقش فعال زنان پرداخته شد. در مورد سطوح تحصیلی، نتایج نشان داد زنان دارای تحصیلات ابتدایی تفاوت معناداری در احتمال داشتن نقش فعال در فرایند مهاجرت با زنان بی‌سواد ندارند؛ اما در مقابل، زنان با تحصیلات راهنمایی یا متوسطه و دیپلم و بالاتر به نسبت زنان بی‌سواد به‌طور معناداری احتمال نقش فعال‌تری دارند. بر این اساس، نسبت برتری احتمال داشتن نقش فعال برای زنان با تحصیلات راهنمایی یا متوسطه ۲/۳۷۹ برابر زنان بی‌سواد و برای زنان دیپلم و بالاتر ۲/۵۱۷ برابر زنان بی‌سواد می‌باشد.

متغیر تأثیرگذار دیگر در معادله، میزان استقلال زنان قبل از مهاجرت می‌باشد. بر این اساس نسبت برتری داشتن نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت برای زنانی که سطح استقلال متوسطی داشته‌اند ۳/۸۱۴ برابر زنان با سطح استقلال کم و برای زنان با سطح استقلال زیاد



۴/۳۰۴ برابر زنان با سطح استقلال کم بوده است. از این‌رو، استقلال زنان یکی از عوامل تأثیرگذار و مهم بر ایفای نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت می‌باشد. در نهایت، نتایج جدول بیانگر آنست که در مهاجرت‌های اخیرتر، زنان نقش فعال‌تری در فرایند مهاجرت داشته‌اند. کسر برتری این متغیر نشان می‌دهد که احتمال داشتن نقش فعال زنان در فرایند مهاجرت برای افراد مهاجرت کرده در دوره‌های زمانی دهه اول بعد از انقلاب ۳/۰۳۶ برابر، دهه دوم ۲/۹۴۰ برابر و دهه سوم ۳/۹۲۴ برابر افراد مهاجرت کرده قبل از انقلاب ۱۳۵۷ می‌باشد.

آماره Neglkerke R Square در مدل نهایی نشان می‌دهد که ۳۲/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (نقش زنان در فرایند مهاجرت) توسط چهار متغیر تحصیلات، سن هنگام مهاجرت، سال ورود و میزان استقلال زنان قبل از مهاجرت تبیین می‌شود. همچنین با توجه به آماره نیکویی برازش مدل معنادار می‌باشد. بدین ترتیب، با افزایش سن زنان هنگام مهاجرت، افزایش سطح تحصیلات زنان، افزایش میزان استقلال زنان و نقش آنها در ساختار قدرت خانواده و اخیرتر بودن سال مهاجرت، زنان نقش فعال‌تری در فرایند مهاجرت ایفاء نموده و به‌طور فعال‌تری در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی مشارکت داشته‌اند.

## ۷. بحث و نتیجه‌گیری

در خصوص نقش زنان در فرایند مهاجرت، نتایج بررسی نشان داد که اغلب پاسخگویان معتقدند که در فرایند مهاجرت به‌طور کلی زنان نقش مشارکتی با همسران خود دارند. همچنین، نتایج نشان داد که زنان و مردان انتظارات مهاجرتی متفاوتی دارند، گرچه مهاجرت‌ها بیشتر به دلایل اقتصادی صورت می‌گیرد، اما اهمیت انگیزه‌های غیراقتصادی برای مهاجرت زنان بیشتر می‌باشد. در میان علل مهاجرتی، تنها اهمیت دو عامل ازدواج و اتحاد مجدد در مورد زنان اهمیت بیشتری داشته است که با توجه به ماهیت این دو عامل، می‌توان گفت که مهاجرت زنان بیشتر تبعی بوده است. شرایط شغلی، شرایط بد زندگی در مبدأ و شرایط خوب آن در مقصد به‌عنوان دلیل مهاجرت برای مردان و شوهرانشان اهمیت بیشتری داشته است که این نتیجه منطبق با نظریه جذب و دفع بوده است و ادامه تحصیل نیز به‌عنوان انگیزه‌ای مهاجرتی برای تأمین آینده بهتر برای فرزندان‌شان بوده است.

بررسی دقیق نقش خود زنان پاسخگو در فرایند مهاجرت به شهر همدان نیز نشان داد که بیشتر پاسخگویان (۵۵/۴ درصد) «با توافق و تفاهم هر دو یعنی زن و شوهر امکان مهاجرت

را فراهم کرده‌اند». در ۴/۳ درصد «تصمیم‌گیرنده زن بوده و شوهرش هم موافق بوده است»، ۱/۵ درصد نیز گفته‌اند «تصمیم‌گیرنده زن بوده و علیرغم بی‌تفاوتی و حتی مخالفت شوهر» مهاجرت انجام شده است. در مقابل، ۵/۴ درصد زنان «هیچ نقشی نداشته و حتی مخالف بوده‌اند»، ۹/۴ درصد نیز «هیچ نقشی نداشته و بی‌تفاوت در این امر بوده‌اند»، ۲۴ درصد نیز «هیچ نقشی نداشته، اما موافق مهاجرت بوده‌اند». از این‌رو، به‌طور کلی می‌توان گفت که ۶۱/۲ درصد زنان نقش مشارکتی و فعالی در فرایند مهاجرت به شهر همدان ایفاء نموده‌اند و در مقابل ۳۸/۸ درصد آنها نقشی منفعل داشته‌اند.

در خصوص عوامل مؤثر بر نقش زنان در فرایند مهاجرت ۵ فرضیه مطرح شد که با استفاده از آزمون کای اسکوئر آزمون شدند. بر اساس نتایج آزمون و سطح معناداری آنها، تنها یک فرضیه رد شد و بقیه فرضیات مورد تأیید قرار گرفتند. بر این اساس، زنانی که در دوره زمانی اخیر به شهر همدان مهاجرت کرده بودند، و همچنین آن دسته از زنانی که از منابع کافی نظیر قدرت در خانواده، سطح تحصیلات، موقعیت اقتصادی-اجتماعی برخوردار بوده‌اند، نقش فعالی در فرایند مهاجرت به شهر همدان ایفاء نموده‌اند. علاوه بر این‌ها، زنانی که دارای خاستگاه قومی فارس زبان و خاستگاه خانوادگی زن‌سالار یا تفاهم محور بوده‌اند نیز نقش فعالی در تصمیم و اقدام به مهاجرت ایفاء نموده‌اند.

از این‌رو، بررسی مجموع نتایج و داده‌های حاصل از این پژوهش، نشان داد که به‌تدریج ساختار تصمیم‌گیری درباره مهاجرت از مردان به زنان تسری پیدا کرده است و در نتیجه زنان با گذشت زمان و افزایش منزلت اجتماعی‌شان نقش مهم‌تری را در این فرآیند به عهده دارند. علاوه بر این‌ها بررسی تأثیر نقش زنان در فرایند مهاجرت و میزان رضایت آنها از شهر همدان نشان داد که زنانی که نقش فعال‌تری در فرایند مهاجرت به شهر همدان داشتند، رضایت بیشتری از اوضاع فعلی و مهاجرت به این شهر دارند. همچنین یافته‌های بررسی، بیانگر تأثیر مثبت مهاجرت بر بهبود موقعیت زنان بوده است. به‌طوری‌که بیشتر پاسخگویان (۵۲/۹ درصد) در ارزیابی موقعیت خود گفته‌اند که موقعیت آنها بعد از مهاجرت به شهر همدان «بهبتر شده است». همچنین بررسی و مقایسه میزان استقلال زنان قبل و بعد از مهاجرت نشان داد که بعد از مهاجرت بر میزان استقلال زنان افزوده شده است. زنانی که میزان استقلال آنها قبل از مهاجرت کم بوده، بعد از مهاجرت تنها ۵۴ درصدشان این وضعیت را داشته و بقیه میزان استقلالشان افزایش و بهبود یافته است. از این‌رو، مهاجرت منجر به استقلال شخصی زنان

می‌شود. این وضعیت به خاطر افزایش چشم‌اندازهای شغلی و کنترل آنها بر تنظیم بودجه خانوار و سایر تصمیمات خانواده می‌باشد.

در نهایت، جهت بررسی نقش جمعی عوامل مؤثر بر نقش زنان در فرایند مهاجرت، با توجه به ماهیت دو مقوله‌ای متغیر وابسته (نقش فعال یا منفعل در فرایند مهاجرت)، در تحلیل چند متغیره از رگرسیون لوجستیک استفاده کردیم.

نتایج رگرسیون لوجستیک در مدل نهایی نشان داد که از ۱۰ متغیر مستقل وارد شده در مدل تنها ۴ متغیر تحصیلات زنان، سن هنگام مهاجرت، میزان استقلال زنان قبل از مهاجرت و سال ورود به شهر همدان از سطح معناداری لازم برخوردار بوده و در مدل باقی ماندند. این ۴ متغیر حدود ۳۲ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین نموده است. بدین معنی که با افزایش سن زنان هنگام مهاجرت، افزایش سطح تحصیلات زنان، افزایش میزان استقلال زنان و نقش آنها در ساختار قدرت خانواده و اخیرتر بودن سال مهاجرت، زنان نقش فعال‌تری در فرایند مهاجرت ایفاء نموده و به‌طور فعال‌تری در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی مشارکت داشته‌اند. بدین ترتیب، نتایج این بررسی در تبیین نقش‌های متفاوت زنان در فرایند مهاجرت بر حسب عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی از پیش‌فرض‌های تئوریک‌های تئوریک‌های منابع خانواده، نقش‌های جنسیتی و استراتژی‌های خانوار حمایت می‌کند. در حقیقت، طبق تئوری منابع خانواده، قدرت فرد در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن تابعی از منابع فردی است. بر اساس این تئوری، تصمیمات مهاجرت خانوادگی و نقش زنان در این فرایندها بستگی به سطح منابع انسانی، نظیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سطح تحصیلات دارد. تئوری نقش‌های جنسیتی بیان می‌کند که زنان، صرف‌نظر از سطح منابع فردی‌شان، یک نقش تابع و فرمان‌بردار در تصمیم‌گیری‌های مهاجرت خانوادگی دارند. به‌طور سنتی، نقش‌های زنان کمتر از نقش‌های مردان در فرایند مهاجرت می‌باشد، از این‌رو، زنان به‌احتمال زیاد تابعان و همراهان شوهرانشان در حرکات مهاجرتی باشند. بر این اساس زنان تحت نفوذ ایدئولوژی‌ها و هنجارهای فرهنگی تعیین‌کننده نقش‌های جنسیتی نظیر تصورات قالبی جنسیتی، الگوهای تربیتی و خاستگاه قومی- فرهنگی در رفتار مهاجرتی نقش پیدا می‌کنند. همچنین بر اساس رویکرد استراتژی خانوار و مدل پدرسالاری روابط جنسیتی/خانواده می‌توان گفت که روابط قدرت و ساختارهای تصمیم‌گیری در خانواده، بر مهاجرت زنان تأثیرگذار می‌باشد. به‌طور خلاصه می‌توان در تبیین نقش زنان در فرایند مهاجرت می‌توان گفت که تصمیم‌گیری‌ها برای مهاجرت در درون بستر بزرگتری از تعاملات و انتظارات جنسیتی بین افراد و در درون خانواده‌ها و نهادها اتخاذ می‌شود.

بنابراین، امروزه دیگر نمی‌توان نظیر دهه‌های گذشته، تنها از نقش مردان در مهاجرت سخن گفت. یافته‌های پژوهش نشان داد افزایش منزلت و اعتبار اجتماعی زنان، به تأثیرگذاری آنها در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده کمک نموده و آنان امروزه جایگاه ویژه‌ای در فرایند مهاجرت پیدا نموده‌اند. از این‌رو دیگر نمی‌توان زنان را به خاطر این تصور قالبی که زنان تنها وابستگان و تابعان در فرایند مهاجرت هستند، در مطالعات و بررسی‌های مهاجرتی کنار گذاشت و نادیده گرفت.

برخی از تحقیقات قبلی درباره زنان و مهاجرت خانوادگی نشان می‌دهند که زنان معمولاً به خاطر ماهیت رابطه‌شان با مردان در فرایند مهاجرت منفعل، مطیع، تابع و قربانی هستند (هیملر و مک گیگ، ۲۰۰۷). نیز نشان دادند که زنان می‌توانند نقش فعال یا منفعلی در فرایند مهاجرت داشته باشند. زنانی که مشارکت فعالی در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرت داشته‌اند، از محل جدید یعنی مقصد مهاجرتی رضایت بیشتری دارند. همچنین، مطالعات پیشین نشان می‌دهند که مهاجرت منجر به استقلال شخصی زنان می‌شود. این وضعیت به خاطر افزایش چشم‌اندازهای شغلی و کنترل آنها بر تنظیم بودجه خانوار و سایر تصمیمات خانواده می‌باشد (پارادو و دلپین، ۲۰۰۵: ۶۰۷). نقش‌های جنسیتی سنتی، مهاجرت موجب بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی این دسته از زنان نشده است. در مقابل، مهاجرت به‌ویژه برای نسل جوان‌تر زنان مهاجر مفید بوده است.

داده‌ها و یافته‌های این پژوهش می‌تواند در حوزه سیاست‌گذاری عمومی و ملی در رابطه با معضل مهاجرت نیز مؤثر باشد؛ زیرا امروز علیرغم اینکه اصل مهاجرت می‌تواند فرصت‌های جدید را در اختیار خانواده مهاجر قرار دهد، از سوی دیگر معضلات و مشکلاتی برای شهرهای مهاجرپذیر ایجاد می‌نماید. از این‌رو، سیاست‌گذاران عمومی کشور در این بخش می‌توانند برای اصلاح و بهبود فرهنگ مهاجرت، به انجام سیاست‌های تبلیغاتی و تبیینی در خصوص مسائل و حاشیه‌های مربوط به مهاجرت، با مخاطب قرار دادن زنان خانواده در دستور کار قرار دهند. مورد مطالعاتی این پژوهش که شهر همدان بود امروزه دچار مشکلات حاشیه‌نشینی و به وجود آمدن شهرک‌های متعدد از خانواده‌های مهاجر در اطراف خود می‌باشد که طبیعتاً رسیدگی و انجام آنها، توان مضاعفی را طلب می‌نماید. از این‌رو ضمن آنکه در سیاست‌گذاری عمومی میان مدت و بلندمدت، بایستی بر ایجاد سازه‌ها و امکانات جدید به مناطق مهاجر فرست تأکید و برنامه‌ریزی شود، برای مصون ماندن از عوارض مهاجرت‌های گسترده، افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده یک فرصت قلمداد می‌شود؛ زیرا زنان به دلیل حساسیت‌های فرهنگی

و اجتماعی بالاتر، در صورت توجیه نسبت به مضرات حاصل از مهاجرت که اغلب به فواید آن برتری دارد، می‌توانند، به عامل کنترلی مناسبی در کاهش مهاجرت‌های غیرضروری تبدیل شوند.

با توجه به محدودیت‌های تحقیق، انجام این مطالعه در سطح کلان به‌ویژه در ارتباط با تفاوت‌های جنسیتی در علل مهاجرت، انجام مطالعه با زنانی که به‌تنهایی دست به مهاجرت می‌زنند و به‌کارگیری روش تحقیق کیفی و مصاحبه‌های عمیق پیشنهاد می‌شود.

## منابع

- اسمعیلی، نصیبه (۱۳۸۸)، بررسی نقش زنان در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت‌های خانوادگی به شهر همدان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- جعفری، نرگس (۱۳۸۸)، بررسی روند تحولات مهاجرت زنان و شناخت عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسن‌پور فرد، علی (۱۳۸۹)، گرایش به مهاجرت و جنسیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- صادقی، رسول و ولدوند، لیلا (۱۳۹۴)، «جنسیت و مهاجرت: تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت‌های داخلی در ایران». *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۴(۷): ۷۳-۷۶.
- مشفق، محمود و خزایی، معصومه (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر ویژگی و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران». *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۷(۶۷): ۱۱۹-۱۲۱.
- Assar, H. H. (1993), Family migration in Iran: The role of women and kinship ties, 1976-1986, PhD Thesis in Southern Illinois University at Carbondale.
- Boyd, M. and Grieco, E. (2003), Women and Migration: Incorporating Gender into International Migration Theory, Migration Information Source.
- Castles, S. and Miller, M. (2003), The Age of Migration, 3rd edition, MacMillan, London.
- Chant, S. (1998), "Households, gender and rural-urban migration: reflections on linkages and considerations for policy". *Environment and Urbanization*, Vol. 10, No. 1: 28-48.
- Chant, S. and Radcliffe, S. A. (1992), Migration and Development: the Importance of Gender, In S. Chant (Eds). *Gender and Migration in Developing Countries*, London: Belhaven Press.
- Charalampopoulou, D. (2004), "Gender and migration in Greece: the position and status of Albanian women migrants in Patras", *Finisterra*, 39(77): 77-104.
- Chattopadhyay, A. (2000), "Gender Differences in Socioeconomic Returns to Family Migration in Malaysia: The Role of Family Decision Making Versus Labor Market Stratification", *Gender Issues*, 29-48.
- De Jong, G. F. (2000), "Expectations, gender, and norms in migration decision-making", *Population Studies*, 54: 307-319.
- Donato, K. M.; Gabaccia, D.; Holdaway, J.; Manalansan, M. and Pessar, P. R. (2006), "A Glass Half Full? Gender in Migration Studies", *International Migration Review*, Vol. 40(1): 3-26.
- Eisikovits, R. A. and Schechter, H. (2007), "Social and Academic Adaptation Styles of Female Students who immigrated Alone from the Former Soviet Union to Israel", *International Migration*, Vol. 45(2): 97-118.
- Hiller, H. H., and McCaig, K. S. (2007). "Reassessing the role of partnered women in migration decision-making and migration outcomes", *Journal of Social and Personal Relationships*, Vol. 24(3): 457-472.

- IOM (2003), *Gender and Migration in Asia: Overview and Annotated Bibliography*, Brighton: Institute of Development Studies.
- Parrado, E. A. and Flippen, C. A. (2005), "Migration and Gender among Mexican Women", *AMERICAN SOCIOLOGICAL REVIEW*, VOL. 70: 606-632.
- Riley, N. E. and Gardner, R. W. (1993), *Migration Decisions: The Role of Gender*. In *Internal Migration of Women in Developing Countries*, Pp 195-206, United Nations.
- Riley, N. E. (1999), "Challenging Demography: Contributions from Feminist Theory", *Sociological Forum*, 14(3): 369-397.
- Rodenburg, J. (1993), *Emancipation or Subordination? Consequences of Female Migration for Migrants and their Family*, In *Expert Meeting on the Feminization of Internal Migration*, United Nations, New York.
- Velayati, M. (2003), *Female rural-urban migration of Azari women in Iran: The case study of Tabriz*, PhD Thesis in University of York.